خطرناک ترین حکومت آمریکا

 بسیاری از تحلیلگران بحران‏ فعلی را جدی‏ترین معضل از زمان جنگ سرد می‏دانند.

این جنگ حتی ممکن است بر اثر اشتباه یا بد کار کردن‏ سیستم‏های کامپیوتری‏ اتفاق بیفتد

گزیده‏ای از گفت‏وگوی ماهنامه جونگ آنک کره جنوبی با نوام چامسکی

خطرناک‏ترین حکومت آمریکا

نوام چامسکی متفکر و ناراضی آمریکایی در فوریه‏ 2006 سفری به کره جنوبی داشته است.به این مناسبت‏ ماهنامه چونگ آنک کره جنوبی مصاحبه مفصلی با وی انجام داده است که گزیده‏ای از آن به نظر خوانندگان می‏رسد.

آینده بشریت را چگونه می‏بینید؟

امروزه انسان با عظیم‏ترین تهدیدات تاریخ بشری‏ مواجه است؛وضعیتی که مانند آن سابقه نداشته است. دو بحران عمده بقای بشر را تهدید می‏کنند:

مهم‏ترین و جدی‏ترین بحران،احتمال وقوع جنگ‏ هسته‏ای است.اگر به آنچه تحلیلگران استراتژیک‏ می‏گویند توجه کنید در می‏یابید که بسیاری از آنان بحران‏ فعلی را جدی‏ترین معضل از زمان جنگ سرد می‏دانند. این جنگ حتی ممکن است بر اثر اشتباه یا بد کار کردن‏ سیستم‏های کامپیوتری اتفاق بیفتد.

بحران دوم فاجعه زیست محیطی است که‏ طولانی مدت‏تر است.جنگ هسته‏ای ممکن است حتی‏ مسئله عراق یک جنایت‏ جنگی آشکار است.

آنچه در آنجا اتفاق افتاده‏ واقعا یک فاجعه است. به نظر من آمریکا و بریتانیا باید به عراق‏ غرامت بپردازند

بر اثر اشتباه فردی رخ دهد،ولی فاجعه زیست‏محیطی‏ در طولانی مدت اتفاق خواهد افتاد،پیامدهای جدی‏ خواهد داشت و کسی دقیقا نمی‏تواند ابعاد تأثیرات آن‏ را پیش‏بینی کند.گر چه همگان بر این اعتقادند که اثرات‏ فاجعه زیست محیطی قطعا جدی خواهد بود.

ارزیابی شما از دولت بوش چیست؟جنگ عراق چگونه‏ پایان خواهد یافت؟

دولت بوش خطرناک‏ترین حکومتی است که تاکنون‏ در آمریکا به قدرت رسیده است.اقدام‏های این حکومت‏ بر شدت تهدیدهایی که به آن‏ها اشاره کردم به میزان‏ زیادی افزوده است.این حکومت دست به کارهایی‏ می‏زند که بر تهدیدهای ناشی از عملیات تروریستی‏ می‏افزاید.البته این کارها به اندازه وقوع جنگ هسته‏ای‏ مخاطره‏آمیز نیستند،ولی به هر روی تهدیدهایی جدی‏ به شمار می‏روند و متأسفانه دولت بوش این کارها را از روی عمد و به طور ارادی انجام می‏دهد.

برای مثال از همان ابتدا این احتمال به طور جدی مطرح گردید که جنگ با عراق سبب افزایش تهدیدهای‏ تروریستی و همچنین گسترش سلاح‏های هسته‏ای‏ خواهد شد؛پیش‏بینی که در عمل نیز درست از کار درآمد.یکی از سازمان‏های اطلاعاتی آمریکا،که در باره افزایش تروریسم و گسترش سلاح‏های هسته‏ای‏ هشدار داده بود،اکنون صحت پیش‏بینی خود را تایید می‏کند.یک سال پس از شروع جنگ،تعداد عملیات‏ تروریستی سه برابر شده و این روند کماکان در حال‏ تشدید است.

مسئله دیگر سیاست‏های اقتصادی است که مشکلات‏ زیادی را به نسل‏های آینده آمریکا تحمیل خواهد کرد. منظورم کسری‏های مشهور دوگانه بودجه و تجاری‏ است؛چیزی که نوادگان ما باید بها و خسارات آن را بپردازند.

برخی از کشورها به نام بازسازی عراق نیروی نظامی به‏ آن کشور فرستادند.نظرتان در این‏باره چیست؟

حمله به عراق یک جنایت جنگی بود.جنایت جنگی‏ آشکار و صریح و بدون هیچ توجیه و بهانه‏ای.دلیل اصلی‏ این تهاجم،کنترل منابع عظیم نفتی عراق و تقویت موضع‏ و نفوذ آمریکا در منطقه بود.تحلیل‏گران مسائل‏ استراتژیک و کارشناسان امور بین‏الملل در 50 سال اخیر بر این اعتقادند که تضمین دریافت نفت تنها دلیل تلاش‏ آمریکا برای کنترل خاورمیانه نیست.در واقع اگر این‏ تنها هدف بود،آمریکا می‏توانست با بهره‏گیری از ساز و کارهای بازار و خرید و فروش به آن دست یابد،حال‏ آنکه آمریکا خواهان برخورداری از یک سلاح‏ استراتژیک علیه رقبای خود یعنی اروپا و شمال شرق‏ آسیا(چین و ژاپن)است.50 سال پیش جرج کنان،(عضو ارشد وزارت امور خارجه آمریکا در دوران جنگ سرد و نظریه‏پرداز مهار شوروی)اعلام کرد اگر آمریکا بر نفت‏ خاورمیانه تسلط یابد،در عمل از حقی همچون حق وتو علیه ژاپن برخوردار خواهد شد.ژاپن نیز این معنا را درک‏ کرده است و به همین دلیل در صدد تنوع بخشی به منابع‏ تامین انرژی خود است.همین موضوع در مورد اروپا نیز مصداق دارد.لذا جنگ عراق به مثابه یک اهرم است؛ اهرم قدرت آمریکا علیه اروپا و آسیا.

آیا این موضوع درباره روسیه هم صدق می‏کند؟

این امر درباره روسیه کمتر مصداق دارد؛چون روسیه‏ دارای منابع انرژی است.در مقابل اروپا از منابع نفت‏ محروم است،چین به میزان کمی انرژی در اختیار دارد و ژاپن احتمالا هیچ ندارد.از همین رو انرژی یک سلاح‏ استراتژیک است.

مسئله عراق یک جنایت جنگی آشکار است.آنچه در آنجا اتفاق افتاده واقعا یک فاجعه است.به نظر من آمریکا و بریتانیا باید به عراق غرامت بپردازند.منظورم کمک‏ نیست،بلکه غرامت است؛مانند آنچه آلمان و ژاپن بعد از جنگ دوم انجام دادند.تحریم‏های 10 ساله علیه عراق‏ باعث ویرانی آن کشور و تقویت صدام حسین شد. آمریکا و انگلیس احتمالا صدام را در قدرت نگاه داشتند و مردم قادر به سرنگونی او نبودند.تحریم‏ها جامعه عراق‏ را ویران کرد و سپس جنگ و پیامدهای ویرانگر آن آغاز شد.

دادگاه بین‏المللی،آمریکا را به خاطر اقداماتش در نیکاراگوئه به تروریسم‏ بین‏المللی متهم کرد.

البته آمریکا تنها کشوری‏ نیز بود که به رای دادگاه‏ بین‏المللی گردن ننهاد

در سراسر دنیا اقدامات تروریستی انجام می‏شود. چگونه می‏توان این اقدامات را کاهش داد؟

هم اکنون معارضین به اقداماتی خشن و قساوت‏آمیز دست می‏زنند و البته علت این کارها نیز تهاجم به عراق‏ است.شاید در تاریخ هزار سال گذشته عراق نتوان‏ نمونه‏ای از تروریست انتحاری را یافت،اما اکنون چنین‏ پدیده‏ای در عراق وجود دارد؛اتفاقا زیاد هم وجود دارد. سازمان‏های اطلاعاتی آمریکا،اسرائیل و عربستان‏ مسئله معارضین خارجی در عراق را تحلیل و بررسی‏ کرده‏اند.تعداد آنها خیلی کم است.شاید 10 درصد شورشیان،خارجی باشند و تقریبا هیچ یک از آنان نیز سابقه قبلی کارهای تروریستی ندارند.عراقی‏ها تحت‏ نظارت دقیق هستند و مردم آن به خاطر جنگ بسیج‏ شده‏اند.انتظار این بود که جنگ موجب بسیج‏ شبه نظامیان و نهایتا تروریست‏ها شود که مالا در سراسر دنیا پخش شوند.این امر دقیقا اتفاق افتاده است. در گزارش‏های سازمان سیا آمده است که عراق،به‏ مراتب بیشتر از افغانستان در دوران حاکمیت طالبان، به محل تربیت تروریست‏های حرفه‏ای تبدیل شده‏ است.این افراد که در محیطهای شهری پرورش‏ یافته‏اند و بسیار مهارت دارند در سراسر دنیا پخش‏ خواهند شد.این همان وضعیتی است که اکنون در اردن‏ رخ داده است.

بر این اساس یک راه برای کاستن از دامنه تروریسم، پرهیز از تحریک آن است.اگر تروریسم را تحریک نکنید، خود به خود از گستره آن کاسته‏اید.شیوه دیگر،که البته‏ صحبت درباره آن در غرب ممنوع است،خودداری از شرکت در کارهای تروریستی است.قدرت‏های غربی‏ خود مبادرت به کارهای تروریستی می‏کنند.همچنان‏ که می‏دانید دادگاه بین‏المللی آمریکا را به خاطر اقداماتش در نیکاراگوئه به تروریسم بین‏المللی متهم‏ کرد.البته آمریکا تنها کشوری نیز بود که به رای دادگاه‏ بین‏المللی گردن ننهاد.

بنابراین یک شیوه تضعیف تروریسم عدم مشارکت‏ در آن و راه دیگر عدم تحریک آن است.بقیه شیوه‏ها هم‏ قابل درک هستند.

حکومت بوش کره شمالی را به عنوان بخشی از محور شرارت می‏داند و بر این اساس بر فشار خود علیه کره‏ شمالی می‏افزاید.این کارها چه تاثیری در روند صلح و توسعه در شبه جزیره کره خواهد داشت.نظرتان درباره‏ رهبر کره شمالی چیست؟

کره شمالی یکی از وحشتناک‏ترین کشورهای‏ دنیاست و هیچ چیز خوبی درباره آن نمی‏توان گفت.البته‏ سئوال این است که چه باید در قبال آن انجام داد.آیا باید کار را خراب‏تر کرد یا باید در جهت آشتی و بهبود امور حرکت کرد؟دولت بوش در جهت خراب کردن امور اقدام می‏کند.قابل پیش‏بینی است که این اقدامات‏ موجب تلاش بیشتر کره شمالی در دستیابی به سلاح‏ هسته‏ای بازدارنده خواهد شد.وقتی شما کشوری را به‏ نابودی تهدید می‏کنید آن‏ها به شما نخواهند گفت از شما تشکر می‏کنیم،لطفا اقدام بفرمائید!کسی در صدد جنگ نظامی با آمریکا نیست.

بودجه نظامی آمریکا تقریبا مساوی مجموعه بودجه‏ نظامی بقیه دنیاست.از لحاظ فناوری نظامی نیز بسیار پیشرفته و صاحب چنان قدرت مخربی است که‏ هیچ کس خواهان جنگ رودررو با آن نیست،بنابراین‏ دو راه برای بازدارندگی این قدرت باقی می‏ماند:یکی‏ سلاح هسته‏ای و دیگری تروریسم.

می‏خواهم بگویم که آمریکا با اعمال تهدید علیه‏ کشورهای دیگر موجب تقویت تروریسم و گسترش‏ سلاح‏های اتمی می‏شود.سخنان اخیر رییس جمهور فرانسه نیز گواه دیگری است بر این امر.آنچه شیراک دولت بوش در جهت خراب کردن امور اقدام می‏کند. قابل پیش‏بینی است که این اقدامات موجب تلاش‏ بیشتر کره شمالی در دستیابی به سلاح هسته‏ای‏ بازدارنده خواهد شد

گفت به این معنی است که فرانسه کاربرد سلاح اتمی را علیه تهدیدکنندگان به تروریسم و تهدیدکنندگان به‏ استفاده از سلاح هسته‏ای بررسی خواهد کرد. علی الظاهر شیراک متوجه نیست که بر این اساس باید به‏ نیروی هوایی فرانسه دستور بمباران پاریس را بدهد!در واقع ماحصل کلام شیراک این است:"ما کشوری هستیم‏ که از سلاح کشتار جمعی علیه هر کشوری که بخواهد سلاح کشتار جمعی را به کار گیرد استفاده خواهیم کرد." به بیان دیگر این خود فرانسه است که باید مورد حمله‏ اتمی قرار گیرد!متأسفانه هیچ کس به منطق ابتدایی و اولیه شیراک توجه نکرد.

کاربرد چنین ادبیاتی به کشورهای بالقوه هدف گوشزد می‏کند که به صلاح‏تان است به نیروی بازدارنده مجهز شوید.تنها سلاح بازدارنده‏ای هم که آنان می‏توانند داشته‏ باشند سلاح اتمی و تروریسم است.

این مطلب در مورد ایران نیز مصداق دارد و همین‏ است.یکی از مورخین نظامی مشهور اسرائیلی-مارتین‏ فون کرفلد اخیرا در مقاله‏ای-ظاهرا در هرالد تریبیون- نوشته و اعلام کرده‏"ما نمی‏خواهیم ایران سلاح هسته‏ای‏ داشته باشد.ولی آنها اگر به دنبال آن نروند سبک مغزاند." مسئله این است که اگر شما آنها را در معرض تهدید به‏ حمله قرار دهید در حالیکه آنها از همه جهات در محاصره نیروهای متخاصم و مهاجم قرار دارند-از دو جهت شرق و غرب توسط آمریکا-و سایر جهات توسط کشورهای هسته‏ای.منظور این است که وقتی شما آنها را به حمله تهدید می‏کنید آنها از شما تشکر نخواهند کرد بلکه عکس‏العمل نشان خواهند داد.

به نظر شما چگونه می‏توان مشکل سلاح‏های اتمی کره‏ شمالی را حل کرد؟

این مسأله راه حل دارد.حتی نزدیک بود که یک راه بسیار ساده مشکل را حل کند.در سال 1994،و بر اساس یک‏ چارچوب مورد توافق،قرار شد برنامه توسعه سلاح‏های‏ اتمی در کره شمالی متوقف شود.در مقابل،غرب و عمدتا آمریکا تعهد کردند که تاسیسات توسعه انرژی‏ اتمی را در اختیار آن کشور قرار دهند.غرب نه تنها به‏ تعهد خود عمل نکرد،بلکه وقتی دولت بوش سر کار آمد تهدید حمله به کره شمالی را مطرح کرد.به این‏ ترتیب توافق مورد نظر کن لم یکن تلقی شد.

به هر حال برای پایان دادن به تهدید کاربرد سلاح‏ هسته‏ای راه حلی دو مرحله‏ای وجود دارد:

یکی مرحله کنترل،یعنی برقراری نظارت و کنترل بر توسعه مواد قابل شکافت و ایجاد بانک و صندوقی برای‏ نگاهداری مواد تولید شده.چنین بانکی می‏تواند مواد مورد نیاز در تولید انرژی هسته‏ای را در اختیار کشورهای‏ درخواست کننده قرار دهد.این پیشنهاد در سال 1993 مطرح شد،ولی آمریکا مانع طرح آن شد و سال‏ها در سازمان ملل ماند.نهایتا در نوامبر 2004 موضوع به رای‏ گذاشته شد.آرا 174 به یک بود.یعنی آمریکا تنها مخالف‏ بود و حتی اسرائیل و بریتانیا هم به پیشنهاد رای ممتنع‏ دادند.

حتی انگلیس؟

بله،جالب اینکه سفیر انگلیس درباره رای ممتنع دولت‏ متبوع خود توضیح داد که گر چه انگلستان خواهان‏ پیوستن به پیمان بود،ولی به دلیل نحوه نگارش آن،که‏ مانع اجماع می‏شد و آرا دنیا را به 174 در مقابل یک رأی‏ آمریکا تقسیم می‏کرد،جانب آمریکا را گرفت.این‏ موضوع اولویت‏های تونی بلر را مشخص و روشن‏ می‏کند.در واقع برای بلر دعوت شدن به مزرعه جورج‏ بوش اهمیت بیشتری از بقای بشریت دارد.

اما گام دوم اقدامی است که البرادعی بر اجرای آن‏ پافشاری می‏کند.پیمان منع گسترش سلاح‏های‏ هسته‏ای (NPT) سند مغتنمی است.به موجب این پیمان‏ از یکسو کشورهای غیر اتمی توافق کردند که سلاح‏ هسته‏ای تولید نکنند و از سوی دیگر کشورهای دارای‏ سلاح هسته‏ای موافقت و تعهد کردند که سلاح‏های‏ هسته‏ای خود را نابود کنند.آیا کشورهای دارای‏ تسلیحات هسته‏ای به تعهد خود عمل کرده‏اند؟هیچ یک‏ چنین نکرده‏اند.وقتی کشورهای هسته‏ای به تعهدات‏ خود عمل نکنند،طبعا کشورهای غیر هسته‏ای نیز حاضر نخواهند بود به تعهد خود پای‏بند بمانند.

شاید نتوان از فاجعه زیست محیطی پیشگیری کرد،اما امکان برطرف کردن تهدید سلاح‏های اتمی با اتخاذ شیوه‏های ساده وجود دارد.کشورهای هسته‏ای و به ویژه‏ آمریکا باید به تعهدهای خود پای‏بند بمانند.همچنین‏ اعمال کنترل بین‏المللی بر تولید مواد خطرناک امری‏ ضروری است.